



# سِنِکَا

تسمیة:

زنان تروا

1. *The Trojan Women*, Translated by Frank Justus Miller, in *The Complete Roman Drama*, Terence and the Tragedies of Seneca in a Variety of Translations, Edited with an Introduction by George E. Duckworth, Random House, New York, 1942.
2. *Seneca, Four Tragedies and Octavia*, Translated with an Introduction by E. F. Watling, Penguin Books, 1960.

ترجمتیں

1. *Thyestes*, Translated by Ella Isabel Harris in *The Complete Roman Drama*, All the Extant Comedies of Plautus and Terence and the Tragedies of Seneca in a Variety of Translations, Edited With an Introduction by George E. Duckworth, Random House, New York, 1942.
2. *Seneca, Tragedies*, Translated by Frank Justus Miller, London Heinemann, Cambridge, Mass. Harvard University Press, 1991.

پروفیسر ڈاکٹر عبدالحق ہجویت  
 پروفیسر ڈاکٹر محمد رفیق ہجویت  
 نمبر 55، ایف 71، راولپنڈی پوسٹ آفس  
 فون: 377-681-796-77

© 2007. All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted, in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording, or by any information storage and retrieval system, without the prior written permission of the publisher.  
 9787274784840 ISBN  
 www.contactus.com • email: info@contactus.com • contactus.com



نشرنی

## درباره سینکا

### فهرست

- درباره سینکا ..... ۹
- درباره زنان تروا ..... ۱۹
- زنان تروا ..... ۲۳
- توئستیس ..... ۱۱۵



## درباره سنکا

لوکیوس آنائیوس سنکا<sup>۱</sup> در حدود سال ۴ پیش از میلاد در اسپانیا زاده شد و او را از سنین کودکی به رم بردند. سنکا آداب سخنوری را نزد چند استاد آموخت و مدت زمانی با موفقیت تمام به حرفه وکالت پرداخت. پدرش با نوشتن دو کتاب *Controversiae* و *Suasoriae* که مجموعه‌ای از مباحث لازم در آموزش سخنوری بود، آوازه‌ای به هم رسانده بود. لوکیوس آنائیوس سنکا در حدود سال ۳۳ بعد از میلاد با همسر نخستش ازدواج کرد و در این زمان در کار آموزش سخنوری و نیز در مقام خطیب به چنان جایگاهی رسیده بود که حسادت امپراتور کالیگولا را برانگیخت و اگر از خشم امپراتور جان به در برد از این روی بود که به امپراتور گفتند این مرد خود بیمار است و به زودی خواهد مرد. سنکا با گذشت زمان به ادبیات و فلسفه روی آورد. او تا سال ۴۱ بعد از میلاد جایگاهی والا در

1. Natural Problems

2. Moral Letters

1. Lucius Annaeus Seneca

ambrosius in 3. Claudius

1. Cornelianus

ambrosius in 4. Augustus

2. Mestrianus



محافل نزدیک به امپراتور داشت و در این سال به سبب شایعه‌ای در مورد روابط عاشقانه با جولیا، دختر گرمانیکوس<sup>۱</sup>، برادر امپراتور کلادیوس<sup>۲</sup>، به فرمان امپراتور به کروسیکا تبعید شد. این شایعه را مسالینا<sup>۳</sup> همسر امپراتور بر سر زبان‌ها انداخته بود.

در سال ۴۹ بعد از میلاد، آگریپینا<sup>۴</sup> که بعد از اعدام مسالینا، همسر امپراتور شده بود سنکا را به رم فراخواند تا معلم پسر خردسال او، نرون، گردد. پس از مرگ کلادیوس در سال ۵۴، نرون امپراتور شد. آن متانت و حکومت متعادلی که در پنج سال اول زمامداری نرون سبب شهرت او شد، بیشتر وامدار آموزش‌های دو معلم امپراتور، یعنی سنکا و بوروس، فرمانده گارد امپراتوری بود. در سال ۵۹ آگریپینا به قتل رسید و سه سال بعد اوکتاویا، همسر نرون، به فرمان او تبعید شد. سنکا به روشنی دریافت که از این پس نمی‌تواند تأثیری بر امپراتور بگذارد و او را از کرده‌های ناروا بازدارد. پس چندان که می‌توانست از کارهای حکومت کناره گرفت و به آموختن فلسفه روی آورد. بسیاری از رسائل مهم او در همین ایام نوشته شد. در سال ۶۵ متهم به شرکت در توطئه پیسو بر ضد نرون شد و به فرمان امپراتور خودکشی کرد.

زندگی سنکا آمیزه‌ای از تضادها بود. مقامی که در دربار نرون داشت او را از عمل به اصول مورد اعتقادش باز می‌داشت و ثروتی که به روزگاری کوتاه گرد آورد در چشم خرده‌گیران یکسره متناقض با تعالیم فلسفی او (فلسفه رواقی) بود. سنکا مرگ را با آرامشی در خور فیلسوفی رواقی

1. Germanicus
3. Messalina

2. Claudius
4. Agrippina

پذیرا شد. آثار فراوان او به نثر: مشکلات طبیعی<sup>۱</sup>، نامه‌های اخلاقی<sup>۲</sup>، درباره عفو<sup>۳</sup> و درباره منفعت<sup>۴</sup> و سایر رسائل، او را بر جایگاه یکی از مهم‌ترین فیلسوفان رواقی رم نشانده است. سنکا بیشتر به اخلاق توجه داشت و عقایدش معنوی‌تر و انسانی‌تر از رواقیون نخستین بود. نویسندگان مسیحی در دوران‌های بعد، بسیاری از ویژگی‌های قدیسی مسیحی را در او بازیافتند.

ده تراژدی به نام سنکا ثبت شده است. همه این آثار را صاحب‌نظران اصیل می‌شمرند، مگر اوکتاویا، نمایشنامه‌ای تاریخی، که گمان می‌رود بعدها نوشته شده باشد. نه تراژدی دیگر، درباره شخصیت‌ها و اساطیر یونان است و جملگی بجز توئیستیس<sup>۵</sup> مضامینی دارند که در تراژدی‌های برجای مانده از آیسخولوس، سوفوکلس و ائوریپیدس می‌یابیم. در این‌که این تراژدی‌ها نوشته سنکاست، چندان تردیدی روا نیست، زیرا این نوشته‌ها هم در مضامین فلسفی و هم در سبک طنزآلود و گزنده‌شان شباهت بسیار به رسائل فلسفی او دارند. درباره زمان نوشته شدن این تراژدی‌ها چیزی نمی‌دانیم، برخی صاحب‌نظران دوران تبعید یا زمانی زودتر از آن را نام می‌برند و برخی دیگر معتقدند تراژدی‌ها بعد از به قدرت رسیدن نرون در سال ۵۴ نوشته شده است.

نکته مهم دیگر، مقصود از نوشتن این تراژدی‌هاست. در زمان نرون نمایشنامه‌هایی بر صحنه اجرا می‌شد، اما نشانه‌ای در دست نداریم تا بگوییم تراژدی‌های سنکا نیز به اجرا درآمده است. برخی پژوهشگران

1. Natural Problems
3. on Clemency
5. Thyestes

2. Moral Letters
4. on Benefits